

گپ و گفت با آنهایی که تاب ماندن در خانه ندارند

تابستان تمام شد سفر نه

محمد معصومیان
گزارش نویس

جاده‌های شمال همچنان شلوغ است. تابستان تمام شده اما خیلی‌ها هنوز از تفریح دل نمی‌کنند مثل منصور که می‌گوید: «استیتر» را بخواهید به فرزند ۶ ساله‌ام قول داده بودم که زرد شدن درختان پاییزی را در جنگل را نشانشم. رفتم، تابستان فقط سه بار شمال رفتیم و دویدم و این دفعه هم دیدیم بیماری کمی فروکش کرده گفتم از فرصت استفاده کنیم.» گفت با برمدی که به سفر رفته اند این وقت‌وگی می‌نشینم تا از آن بشنوم چه چیزی باعث می‌شود یا وجود همه هشدارها بازهم یخزدان ابتلا به بیماری را به جان سپردن و کوله بار سفر ببندند. آیا اصلاً خطری حس کردند؟

میرمرد از «فطرت» استفاده کرد چون پیک پنجم باعث شد دوباره صحبت‌ها مبتلا به کوئید ۱۹ را فراموش کنند از طرفی واکسیناسیون گسترده هم این حس را ایجاد کرده که دیگر در برابر کرونا مصون شده‌اند. یکی از کسانی که این فکر را می‌کند، عیسیا است که هم‌راه خانواده در تعطیلات راهی سفر شد. او معتقد است اگر قرار بود هم واکسن بزند هم در خانه بماند و کماکان پروتکل‌ها را رعایت کند پس چرا واکسن زده؟ او از او می‌پرسد تا حالا کسی را ندیده که زودتر از او واکسن مبتلا شده؟ می‌گوید: «چرا دیده‌ام؛ یکی ز دوستان که کسبه بازار است با اینکه ۱۲ روز را زده بیمار شده و حال خوبی هم ندارد. من به‌صراست سعی نمی‌کنم. من و خانواده‌ام سعی

کردیم هر جا می‌رویم ماسک بزنیم،
 او یکی از مکان‌هایی را که به نظر
 خوش‌انگارتر بود استوان من معرفی
 می‌کند و می‌گوید: «رستوران مرغی
 شلوغ بود یعنی حداقل جاهایی
 که غذای خوبی داشتند به روال
 سابق خیلی خوب بود و البته مجبور
 بودیم موقع غذا خوردن ماسک را
 برداریم، ولی باور کنید هر جا رفتیم
 سعی کردیم جلوی پتجر رستوران
 بنشینیم، اصلاً اول چک می‌کردیم
 آنچیزه در دسترس داشت می‌رفتیم،
 می‌گفتند به رستوران‌هایی رفته که
 همه پرسنل آن ماسک داشته‌اند و
 روی هر میز الکل برای ضدعفونی
 هم بوده است.

تصور کنید رستوران شلوغی را که همه بدون ماسک مشغول غذا خوردن هستند؛ درواقع بدون سپر دفاعی که برابر کرونا که همان ماسک است. آن هم در رستوران‌ها و هم در خیابان‌ها که به علت سرد شدن هوا پنجره‌ها را می‌بندند و می‌زهایی که گوشه تا گوشه پر از مسافر است و هر لحظه از مشتری پر و خالی می‌شود. مصطفی در سفرش یک استراتژی را که به همراه دوستانش راهی سفر شده بوده از دستشویی‌های عمومی می‌گوید. او همین هفته به همراه دو نفر از دوستانش به شمال رفته است. مصطفی تعریف می‌کند که بنا به اجبار از توالت عمومی در یکی از شهرهای شمالی استفاده کرده: «یک صف بلند بیرون شکل گرفته بود و با خوردن گفتم هر چقدر ناراحت‌تر می‌شدم دیگر فایده ندارد. خیلی عیبت را در این صف می‌دیدم که بدون ماسک وارد می‌شدند و اصلاً نگران

انگار کرونایی وجود دارد.»

از او می پرسم چطور خودش حاضر شد به همراه دو دوستش به سفر برود و داخل یک ماشین دستم ها نشینند؟ می گوید: «دو دوستم هم مثل من هر دو راننده راؤکسین را زداند و آدم های رعیات کننده ای هستند. اما خیلی وقت بود قول داده بودیم یک سفر مثل قدیم برویم شمال. آنجا هم داخل ویلا دو دستم بودیم و زیاد بیرون نمی آمدیم.»

از او می خواهم که تمام دفعات بیرون آمدن از ویلاها را بشمارد و بگوید برای چه کارهایی بیرون آمده؟ با خنده می گوید: «بالاخره رفتی نان خریدن و سوپرمارکت رفتن و میوه خریدن مجبور بودیم وارد مغازه و فروشگاه شویم اما همه جا دوتا ماسک می زدیم. بیشتر سعی کردیم ستوران نرویم. می دانید که ستوران خیلی خطرناک است چون همه ماسک را برنج دارند.»

جالب است که همه فکر می‌کنند
خودشان درحال رعایت هستند
درحالی که وقتی وارد جزئیات
می‌شویم می‌بینیم هرکس بنا به ذات
سفر مجبور بوده در لحظاتی خودش
را در معرض خطر قرار دهد تا نیازش
را برطرف کند. یکی به دستشویی
عمومی رفته، دیگری به رستوران
آن یکی هم مانند مهدی آخر هفته
گذشته به خانه یکی از دوستان قدیمی
در شمال رفته است. او که کتابی
عکاسی دارد، می‌گوید: «سعی کردیم
وقت تعطیلات و شلوغی نریم که
ریسک کمتری داشته باشد. مهربان که
دوست قدیمی من است، هم خودش
هم همسرش خیلی رعایت کردند.

از طرفی خانه بزرگ حیاط دار هم دارند که ناهار و شام را درود هم سر میزد. حیاط حیاط می نشستیم که تا تراس از غذا می خوردیم، مهدی که خودش هم و همسرش دو دوز واگسن را زده اند تعریف می کند که تگران دو فرزند ۱۰ ساله اش بوده چون هنوز واگسن زنده نداشتند و آنجا هم حسایی با بچه های دوستش بازی کرده اند: «بچه های دوسم خیلی داخل کوچه با بچه های دیگر بازی کردند و من خیلی تگران بودم که بچه ها به کوچه می آمدند و به خاطر اینکه من ناقل بودم بچه ها یاد گرفته بودند میباید نشویم. او را در پایانی می گوید که یکی از بچه ها به من به خاطر اینکه مدت ها از خانه بیرون می رفتم و بعد از برگشت از سفرش آبریزش بینی دارد که خوشبختانه دراز خوب می شود: «بچه ها اینجوری

هستند که مدتی بیرون نروند، زود تحت تأثیر تغییر آب و هوا قرار می‌گیرند. البته اگر ادامه‌دهی بیاورند، به‌شک‌شان می‌دهم».

تحلیل می‌کند که این مدت آنقدر روعی‌دهی از خانه بیرون رفتن که حال او بدی داشتند و دیگر به‌کار این نمی‌توانست به‌خاطر رعایت پروتکل‌ها را روان بجه‌هایش را در خطر قرار بدهد.

مرتضی‌ها اولین سفر بعد از ازدواج با همسرش را به‌جای کرونا تجربه کرده است. او ویزیتور دارو است و همسرش در یک انتشاراتی کار می‌کند. مرتضی تعریف می‌کند که بعد از مراسم عروسی ساده‌ای که یک سال پیش برگزار کرده بودند فرصت نکرده با همسرش به‌سفر

ببرود و این بار عزمش را جزم کرد
که از سفرمدگی هم‌مشرش بریند
رو بودند؛ چندان بار آمیدم بروم سفر
نکردیم یا جاده بسته است یا آنقدر
افواض بیماری و شست‌تاک است که
نرسیدیم. اما این بار دل را زدیم به
دریا و تقسیم چقدر نشینیم تا کونا
تمام بشود؛ من که مجبورم هر روز
از این داروخانه به آن یکی بروم و در
معرض خطر هستم. از طرفی هم
با بدن دو روز واکسن کمی خیالم
را راحت‌تر است.»

او که یک اقامتگاه بومگردی به قول
سفر خلود و دورافتاده را برای
خود انتخاب کرده می‌گوید: «مدت‌ها
بود آنجا را زیرنظر داشتم و کلاً صاحب
دورافتاده و دنجی است. از صاحب

آنجا خواستم حسابی ضدقوتی
بکند تا خیال مادم چرا باشد اما
وقتی رسیدیم به مدام راحه کلا را
گذاشته و گفتم ما حسابی ضدقوتی
کردیم اگر خواستید خودتان هم
دوباره تمرین کنید. همین کار باعث شد
همسرم مشکوک شود که اصلاً آنقدر
که فکر می کردیم جای تمیزی وجود
یا نه؟»

با شنیدن این حرف‌ها مطمئن
شویم که سفر امن با رعایت
پروتکل‌ها امکان پذیر نیست و
هرچقدر هم قرار بر رعایت باشد
بازهم بزرگه‌هایی وجود دارد که
مسافر را به معرض خطر قرار دهد.
به نظر هنوز هم بهترین کار ماندن
در امنیت خانه است و جدی گرفتن
خطر کرونا.

A large photograph showing a man and a woman sitting on a colorful patterned blanket on a sandy beach, looking out at the ocean. The man is wearing a light blue and white checkered shirt, and the woman is wearing a black dress with a dark blue headscarf. In the background, several other people are visible in the water and on the beach. A young man in a dark blue shirt is kicking a ball on the left, and another young man in a dark blue shirt is standing on the right. The ocean is blue with white waves, and the sky is clear.

آنجا خواستم حسابی ضدقوتی
بکند تا خیال مادم چرا باشد اما
وقتی رسیدیم به مدام راحه کلا را
گذاشته و گفتم ما حسابی ضدقوتی
کردیم اگر خواستید خودتان هم
دوباره تمرین کنید. همین کار باعث شد
همسرم مشکوک شود که اصلاً آنقدر
که فکر می کردیم جای تمیزی وجود
یا نه؟»

با شنیدن این حرف‌ها مطمئن
شویم که سفر امن با رعایت
پروتکل‌ها امکان پذیر نیست و
هرچقدر هم قرار بر رعایت باشد
بازهم بزرگه‌هایی وجود دارد که
مسافر را به معرض خطر قرار دهد.
به نظر هنوز هم بهترین کار ماندن
در امنیت خانه است و جدی گرفتن
خطر کرونا.

با شنیدن این حرف‌ها مطمئن می‌شوم که سفر امن با رعایت پروتکل‌ها امکان‌پذیر نیست و هرچقدر هم قرار بر رعایت باشد بازهم بنگاه‌هایی وجود دارد که مسافر را در معرض خطر قرار دهد. به نظر هنوز هم بهترین کار ماندن در امنیت خانه است و جدی گرفتن خطر کرونا.

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

یک جدول با دو شرح

◀ افقی:

۱- تبریک و تهنیت- واژه‌ای رایج در دهه ۴۰ که به معنای روشنی‌آید از گزگونی از مرزهای سیاست فراتر می‌رود و علم، فرهنگ، تحقیق و توسعه و حتی شیوه زندگی را نیز دربر می‌گیرد

۲- شگفت‌اختر- همراه گفت- سرخ‌مایل به کیود

۳- آدم‌ها و موانع- گروه‌گزارنده- سیب‌آزری

۴- فراد کردن- شهری بی‌فداع- منشی‌نوم-مهم-خیال

۵- پروز- دچراختال

۶- سنگینی معده بر اثر هضم نشدن غذا- گیاره شب‌ان!

یژه
دورن که یک شوهر داشته باشند- دارنده صفت های
پسند- آب پورانگر
کنایه از آرام و آرام گرفت
نی- تو خالی- مشاور- پرندمه درنا
شامل همه- نه تشنیش-شونده- ضبط صوت همراه
نیز- زنانه- زن فرزندم- مرد- ضمیر چهارم
درون- منجمه- زردی- جدید- خوری خوش
را- ریده از آفات- ویران- در خواب می کشند
کمک کننده- تنگه گشودن شوهر- خلق خو
را- کارگران فیلم «سیاه باز» (بر روی دیه سینما)- شهری در
ستان خراسان رضوی

عمودی:

مثنوی (اهلی شیرازی)، حضرت عیسی (ع)
ام‌التکلیف - لقبی برای امپراطوران روم - برده
یک نوع ساز موسیقی - بلندترین آبدار دنیا - نوعی قطع
لب
ثروتمند - شهری در استان اردبیل - چهار من تبریز -
برفش یکی است!
ز مفتح - داداش - عدد خطی!
ریه - ثروت، دارایی - ثُرب زانی
متضاد (ماده) - قرص مایه - عظمت، شکوه
پهار زندگی - شهر «آتشکده محلجه» در استان فارس -
رواح و طبیعت!
پوپک - کر - شهر خرما
تصف قیمت - اشار قریب - مفت
مخفنه از - ناسازگار - پادش سنگ انداز
چین و چوک پوست - عید سال نویتام - بست
اس - سهم مالیاتی
اولو - ناله - همد
زینت لباس - نگه کردن - اسناد
غلاف خنجر - ناگهانی در رفتن و جیم شدن

◀ افقی:

۱- رمان فانتزی «براندون ساندerson» -
غذای اصفهانی
«صد پستک» - بستنی یخی بدون چوب - دامن بلند
- سرزمین باستانی در آسرای صغیر - کاغذ طراحی -
بهره
- مخفف یورش - شگرد خاص کار - حکومت هینلر -
ظهور پلیدی
- یازده - باعقیده واحد - کمانه
- تشخیص و جدا کردن - با «کفت» آید - مانع خروش آب
- آتشسان اروپا - درمان - محصول

४४५१

۵- عبث- گرایش ها- رودشولوف
۶- محصول مرداب- بخشی از لوله گوراش- صاحب ذوق
و خلایق
۷- شکم بزرگ- حرص- سرده غلات
۸- فیلمی به کارگردانی «دراوش غنایی»- مخفف دیگر
را سخت کوه
۹- جمع وکیل- سرزوار- خرمر بزرگ
۱۰- پسر آرتین و فرانک- فنی در کشتی- یار «غم»
۱۱- بوبیدن- سرخرگ- ساز سیمی
۱۲- همان «بوس» است- ماضی شدن- بیمارستانی در
تهران- تربیت و معرفت
۱۳- سرشار- کیه سیه- یار «شرین»
۱۴- فترت- پارچه ی برق- شهری در استان آذربایجان
شرقی
۱۵- برنده خوش خوراک- مکانی توریستی در منطقه
«الموت» قزوین

[illegible]

The figure displays two 10x10 grids, each representing a solution to the 1000th problem. The grids are labeled 'حل جدول شماره ۷۷۵' (Solution Grid Number 775) and 'حل جدول شماره ۷۷۶' (Solution Grid Number 776). Each grid contains numbers from 1 to 10, arranged in a pattern that satisfies the constraints of the 1000th problem. The grids are presented side-by-side, with the first grid on the left and the second grid on the right.

جدول سودوگو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

ሥላሴ

متوسط								
	٤			٣			٦	
٥	٨	٢			٧			٤
٣						٧		
		٨		٢		٦	١	
			٣		٨			
	٥	٣		٩		٤		
		٧						٦
٤			٦			٩	٣	٧
	٢			٧			٥	

۴	۶		۸			۲		۳
			۲		۳		۴	
۳								
			۱					۹
۷		۹				۱		۶
۸					۲			
								۴
	۳		۶		۹			
۹		۷			۱		۶	۵

q	z	l	a	a	y	b	d	a	l	q	y	z	a	a
a	y	b	q	z	a	l	a	z	l	a	b	a	y	z
a	b	y	a	a	q	a	a	q	a	z	a	l	a	b
a	q	a	b	a	b	z	a	a	b	a	l	q	z	y
a	l	q	y	a	b	z	l	a	q	z	y	a	z	b
b	y	z	a	l	q	a	b	y	z	a	z	a	a	l
y	z	a	l	q	a	a	z	a	b	y	q	a	l	a
l	a	z	a	b	y	l	y	l	a	a	z	l	a	b
a	q	a	a	b	y	l	q	a	a	z	l	a	b	y

۹						۵	۶
	۲		۴	۱		۷	۳
۵	۷		۸				
۱		۲	۶	۳			
	۵		۷		۱		۶
				۵	۲	۱	۳
					۷		۸
۴	۸	۱		۲	۹		۷
۶	۹						۲

	۸					۳		
			۹			۲	۱	
	۱			۳				۶
۱	۳			۷				
		۴	۳	۸	۶	۵		
				۲			۳	۷
۹				۴			۵	
	۴	۸			۲			
		۶					۹	

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰
۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰
۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰
۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰
۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰
۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰
۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰

حدود سود و کوشما ۳۷۸۲